

12, 77

"Хуласа-и фикх-и Кайдани"

Сочинение по богословию. На арабском языке с переводом на персидский язык.

Литография. Ташкент, 1833 г.



غنوار یغزولو ۳۱
 فبرال یغزوت ۲۹
 ملط یغزوجل ۳۱
 افریل یغزوتور ۳۰
 مای یغزوزا ۳۱
 اویون یغزوسرطان ۳۰
 اویول یغزاسد ۳۱
 آغوست یغزسنبل ۳۱
 سقاپریغزیزان ۳۰
 اوکتابر یغزاقرب ۳۱
 نوپابر قویس ۳۰
 دیکابر جدر ۳۱

وکره الكلام في خلف الجمارة وفي الخلاء وفي حاله
 اجماع . سراجیه

خلاص فقہ کیدانی

Печатано съ разрѣшенія Туркестанскаго
 Генераль-Губернатора 30 Нолбри 1883 г.

۱۳۲۹

شهرتاشکنده لاحتین باسرخایه سنده

دقا غزب بکیرمشت خاک را
 ایند عار ا هفت بار بخوان بر خاک
 برات و دهن کل کن و این کل در موضع
 کزیده حال بشود بیس کند
 بیس کند خاک لب

این برادر از مسلمانان جمعی فریفته با دوازده
 که بر سر کلاه جمل فریفته کلاه است
 چنانچه که جمعی فریفته مندوب بیان مسلمانان



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين واصلوة وسلام
خداوند است بر همه عالمی را که پرورنده عالمی است و نیکی آخرت مریدین کار از است و دعا و در و نازل باد
علی رسول محمد وآله اجمعین ع سلم ان العبد مستلی من
بر رسول او که نام او محمد است و بر جمیع آل او بر آنکه البته بنده آن بوده است در میان
ان یطیع الله تعالی فی ثاب و بین ان یعصیه فی عاقب
اینکه اطاعت کند خدا را پس ذاب داده شود و میان اینک عصیان کند خدا را بر عقاب کرده شود
والابتلاء یتعلق بالمشروع و غیر المشروع فعلاً و ترکاً فلا
یعنی از نمودن حقیق دارد با هر جائز و با هر ناجایز از روی کردن و ناکردن پس
من بیان انواع مشروعات و غیر المشروعات و بیان
معانیها و احکامها یسمل علی الطالب در کما و ضبطها
معانی مشروعات و غیر مشروعات و احکام این دو تا که آسان شود بر طالب در یافتن آن

بیشتر بعد از آن به اندک بعد نماز
 بعد از آن چندی نفاس علم ای صدر بکار
 کلام است جواب بگو که بیست و یکم جا بجا
 گفتن است که آنکه آن الا الا الله و اشهد ان لا اله الا الله
 دو هم پنج وقت نماز کند و در هر یک یکسوم روزی یکبار
 چهارم زکوة حال دلالت بر طوفان خاندان که هر یک یکبار
 قدرت و توانایی باشد مرزاد و را جل و او را در هر یک یکبار
 بیت است فرائض منافی شکی در فلق
 بابت پاک دارد در جمیع اشارت بجای پاک
 بسوی جامه پاک از اشارت بسوی نیست و او اشارت بسوی
 و قد قان اشارت بسوی قیامت است اشارت بسوی تکبیر تحریر
 قاف دوم اشارت بسوی قبل قاف بسوی اشارت بسوی قنات
 سه اشارت بسوی رکوع بسوی اشارت بسوی سجود
 قاف اخیر اشاره بقصه اخیر چهار کتاب مشرفه
 یعنی فریفته های نماز را ندانی فردا در روز قیامت جای تو در فلق
 خلق جایست در روز عالمات و کثره ما بسیار است و جلی چند
 طایفه مردم است اول جایب مردم آنکه نماز میکنند و اما
 فرائض نماز را نمیدانند طایفه دوم آنکس است که
 حاجت را از مردمان میگویند و اما
 و هر وقت دارند و امثال اینها از جمله جواب

چند نمیدانند که طایفه
 با جوانان بر اینست
 روی لواط میکنند از راه
 زبان خود میگویند
 قفا و جلی است
 چهارم در مقام خواب میکنند

وضبطها فنقول وبالله التوفيق المشروع اربعة

و باد کردن پس بگویم ما حال آنکه باسد عقاب است بوفیق دادن مشروعات چهار

النواع فرض و واجب و مستحب و ملها

نوعت فرض و واجب و مستحب و ملها میشود

المباح و غیر المشروع نوعان محرم و مکروه

مشروع از مباح و غیر مشروع دو نوعت حرام و مکروه است

و يتلو بهما المفسد للعمل المشروع فيه فالكل كالم

و تابع میشود باین دو مفسد هر عمل مشروع

النواع اما الفرض فما ثبت بدليل قطعي لاشبهه

مشروع هر وقت نوع است اما فرض پس آنچه که ثابت شده است بدلیل قطعی که نیست شبهه

فيه وحكمه الثواب بالفعل والعقاب بالترك

دران دلیل وحکم فرض ثواب است بسبب کردن و عذاب است بسبب ترک کردن

بلا عذر والكفر بالانكار في المتفق عليه والواجب

بد عذر و کفر است بسبب انکار کردن در فرض متفق علیه و واجب

ما ثبت بدليل ظني فيه شبهة وحكمه حكم

آنست که ثابت شده است بدلیل ظنی که در همین دلیل شبهه است و حکم واجب حکم

الفرض عملا لا اعتقادا حتى لا يكفر جاحده

فرض است از روی عمل نه از روی اعتقاد تا آنکه کافر نمیشود مگر شونده واجب

والشبهة ما واطب النبي عليه السلام مع تركه مرة

و سنت آن است که مداومت نمود نبی علیه السلام بترک آن چیز یکبار

او مرتين وحكمه الثواب بالفعل والعقاب بالترك

با دو بار و حکم سنت ثواب است بسبب کردن و عذاب است بسبب ترک کردن

یعنی سنت در لغت طریقه است خواه نیک
و خواه بد و در اصطلاح ما و المباح
فرض در لغت بریدن و اندازه کردن است و در
اصطلاح فحاشیست بدلیل واجب در لغت
لازم و باقسط است

فی الهدی ولم یتح ما فعله النبی علیه السلام مرة

در سنت مؤکده و نسخ آن جز است که کرد اورا این جمله سلام بیکبار

وترکه آخری و ما احبته السلف و حکمه الثواب بالفعل

ترک کرد اورا بار دیگر و آنچه دوست داشته است اورا سلف و حکم او ثواب است بسبب کرد

و عدم العقاب بالترک و المباح ما یخیر العبد

و عدم عقاب است بسبب ترک کردن مباح آن چیز است که بخیر است که داشته شده است بنده

بین الاثیان و الترتک و حکمه عدم الثواب

بیان آورده و بیان ترک کردن حکم مباح عدم ثواب است

و العقاب فعلاً و ترکاً و المحرم ما ثبت النهی فیه

و عدم عقاب است از روی کردن و ترک کردن محرم آن چیز است که ثابت شدست نهی در وی

بلا معارض و حکمه الثواب بالترک لیس عرو و جل

ب معارض و حکم حرام ثواب است بسبب ترک کردن برای خدای غالب

و العقاب بالفعل و کفر بالاستحلال فی المتفق

و عقاب است بسبب کردن و کفر است بسبب حلال نمودن در متفق

علیه و المکره ما ثبت النهی فیه مع المعارض و حکم

علیه و مکروه آن چیز است که ثابت شدست نهی در او با معارض و حکم مکروه

الثواب بالترک الموصوف و خوف العقاب

ثواب است بنا کردن که صفت کرده شده است و خوف عذاب است

بالفعل و عدم کفر بالاستحلال و افسد بولها قض

بسبب کردن و عدم کفر است استحلال نمودن مفسد عذابت که تکلف است

للعمل المشرع فیه و حکمه العقاب بالفعل عمداً و

برای عملی که شرع کرده شد در آن و حکم مفسد عذاب است بسبب کردن از روی قصد

وعدمه سهوا ثم اعلم بان الصلوة جامعة للاربعة

وعدمه عزابست از روی سهو بعد از ان بدانچه بدستگاه نماز کرد گننده است هر چهار

الاول شرعا وقد توجد الاربعة الاخر فيها طبعاً فلا بد

اول را از روی شرع و كما بافته میشود چهار را بخیر در نماز از روی طبع پس با چهار است

من تفصيل كل نوع وتعداها بطريق الاختصاص

از جدا کردن هر نوع و از شمردن آنها براد هر کردن و بند کردن

مرتباً على ثمانية ابواب يسير للمؤمنين

در حالیکه مرتب بر هشت باب از جهت آسان شدن برای مؤمنان

الباب الاول في الفرائض وهي خمسة عشر

باب اول در بیان فرائض نماز است و آن در ضمه با نوزده است

بعضها خارجية وبعضها داخلية اما الخارجية

بعض آن فرض خارجی است و بعضی در داخل است اما فرض خارجی

فثمانية الوقت وطهارة البدن والثوب

بس هشت است یک آن وقت و یک آن پاک بدن و یک آن پاک جامه

والمكان وستر العورة واستقبال القبلة

و یک آن پاک مکان و یک آن پوشیدن عورت و یک آن استقبال قبله

والنسيئة والتكبير الاولة والداخلية

و یک آن نیت و یک آن تکبیر تحمیه و فرض داخلی

سبعة القيام والقراءة والركوع والسجود

هفت است یک آن قیام و یک آن قرائت و یک آن رکوع و یک آن سجود

والقعدة الأخيرة والترتيب فيما اتحدت ثمر عليه

و یک آن قعدة اخیر و یک آن ترتیب در آن که متحد است شریعت او

فی کل رکعة او فی جمیع اصلوة والخروج بفعل المصلی

در هر رکعت یا در تمام نماز و بدون آمدن بفعل مصطلح

الباب الثاني فی الواجبات وهی احد وعشرون

باب دوم در بیان واجبات نماز است و آن واجبات است و یک است

منها ما یعم جمیع المصلین والصلوة وهی سبعة

بعض آن واجب عام میشود تمام نماز گذارنده را و تمام نماز را و آن هفت است

ومنهما ما یختص بعض المصلین والصلوة وهی

و بعض واجبات خاص میشود بعض نماز گذار را و بعض نماز را و این واجبات

اربعة عشر العام فلفظ التکبیر للتحریمه و

چهارده است اما واجبات عام پس لفظ تکبیر است برای تحریمه

القعدة الاولى والتشهد في القعدتين والطمانينة

دو قعدۀ اولی و تشهد خواندن در دو قعدۀ و آرام گرفتن

فی الركوع والسجود و ایتیان کل فرض فی موضعه

در رکوع و در سجود و آوردن هر فرض بجای خود

وکل واجب كذلك والخروج بلفظ السلام

و آوردن هر واجب مثل فرض و بدون آمدن از نماز بلفظ سلام

و اما الخاص فتعین الاولین للقراءة وتعیین

و اما واجبات خاص پس تعین کردن دو رکعت اول برای قرائت و تعین کردن

الفاخرة لهما و اقتصارها علی مرة و ضم سورة او

سورۀ فاخره برای دو رکعت اول و خواندن فاخره بر یکبار و ضم کردن سورۀ

ثلث آيات قصيرة او آية طويلة معهما و تقديم الفاتحة

سه آیت کوتاه یا یک آیت دراز با فاتحه و تقدیم کردن فاتحه

الفاتحة عليها وهذه على من عليه القراءة ولها

فاتحة بر سوره داین واجبات بران کس است که واجب است بر او قرائت و دعا و قنوت

فی الوتر والجمهر فی موضعه جماعة والخائفة

خواندن در وتر و بلند خواندن بجای بلند در جماعت و دست خواندن در

لذلك وانصات المقدمی وقت قراءة

جای است و خاموش بودن مقتدی در وقت قرائت

الامام و متابعة الامام علی امی حال وجهه وان

امام و متابعت کردن مقتدی امام را بر هر حال که باید امام را اگر چه

لم یکن محسوباً من صلاته وسجدة التلاوة علی

نباشد محسوب از نماز او و سجده تلاوت بر کردن بر

الامام والمنفرد و تکبیرات العیدین و تکبیر

امام را در منفردا و تکبیرات دو عید و تکبیر

رکوعهما وسجدة السهو علی الامام والمنفرد

رکوع آن دو عید و سجده سهو بر امام و بر منفرد

بترك الواجب فی الثمانية الاول من القسم

بسب ترک واجب در هفت واجبات اول از قسم

الاحیة فی جمیع الصور من القسم الاول

الحیة و در جمیع صورت از قسم اول

إلا الظمانیة فانها واجبة للغير الباب الثالث

مگر در ظمانیة بس طمانیة واجب است باکال غیر باب سوم

و السنن و هی سبعة وعشرون العام سبعة عشر

در بیان سننها و آن سننها است و هفت است سنت عام هفده است

وای رفع الیدین فی التحریمه و فی القنوت و فی

و آن برداشتن برود دست در تکبیر کبری و در وعای قنوت و در

تکبیرات العیدین و نشر الاصابع ثمّه و الثنا

تکبیر ای دو عهد و برکنده کردن انگشتان در برکشیدن و ثنائی

و وضع الیمن علی الشمال و تکبیرات الانتقال

دندان دست راست بر بالای چپ و تکبیرهای اشکالات

حتمی القنوت و تسبیح الركوع ثلاثا و اخذ الکرین

تاکبیر قنوت و تسبیح گفتن در رکوع سه بار و گرفتن دو زانو

فی الركوع و تفریح الاصابع فیه و القومه و الجلسته

در رکوع و کشاده داشتن انگشتان در رکوع و راست ایستادن بعد از رکوع

و السجده علی سبعة اعضاء و تسبیح السجود

و سجده کردن بر هفت عضو و تسبیح گفتن در سجود

ثلاثا و الصلوة علی النبی صلی اللہ علیہ وسلم بعد

سه بار و درود خواندن بر نبی علیه السلام بعد از

التشهد و الدعاء بعده لنفسه و لجميع المسلمين و السلام

تشهد و دعای خواندن بعد از درود برای خود و برای جمیع مسلمین و سلام دادن

یمنه و لیسه و اخاص عشرة جهر الامام بالتکبیر

بجانب راست و چپ و دست خاص ده همت جهر کردن امام تکبیر را با سر

و مقارنته المقصدی تکبیره بتکبیر الامام و متابعت له سا

و نزدیک مقصدی تکبیر من را بتکبیر امام و متابعت کردن مقصد را امام

افعاله و التعوذ و اخفائه و التسمیة بعده و اخفائها و هذه الایة

در برافعالش و اعوذ گفتن و خفای خود و تسمیه بعد از بعد از تعوذ و خفای تسمیه این چهار است

فرائض ندانی شوی در فلق

۱۴
۱۲
۱۱
۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱

جود واجب ندانی شوی در غفر

۱۴
۱۳
۱۲
۱۱
۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱

جو است ندانی شوی مقتدا

۱۴
۱۳
۱۲
۱۱
۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱

از جهت آنکه طمانینه و ابر
 شده از برای غیر یعنی از برای
 دارم اگر بگویم ۱۲

و کول و جبهه بمنته و سره عند السلام الحاصل بیرون آمدن
از نماز بمطلق فعل فرض است و بلفظ سلام واجب است و سلام
دادن باید و جانب پسنده است و کردار اندک روی بجانب
دیهت رایج است و بجانب دیهت جب مستحب است من شرح

فارس

و علی عکس ذلک الرفع للقیام والسجود بین الیدین

در عکس اوست برداشتن برای استادن و سجده کردن بیانه دوست

و توجیه اصابع یدیه نحو القبلة و ترک مسح

و توجیه گردانیدن انگشتان دودست خود را و دو پای خود را بسوی قبله و ترک مسح کردن

التراب و لعرق قبل السلام و الفصل

خاک و عوی پیش از سلام دادن و جدا کردن

بین القدمین قدر اربعة اصابع فی القیام وضع

بیانه دو قدم را مقدار چهار انگشتان در قیام و نهادن

یدیه علی مخذیه فی القعدة و تحویل وجهه یمینة و لیسرة

دودست خود بر دوران خود در قعدة و گردانیدن روی خود بسوی راست و چپ

عند السلام و الخاص تسعة رفع یدیه فیما سن

تزد سلام دادن و سخبات خاص شست برداشتن دودست خود در حالیکه

حذاء سحمتیه للرجال و حذاء المنكب للنساء و وضع الیدین

سنگین است برابر دو بناگوش مهر دایره و برابر کتف مرزبانان را و نهادن دودست خود

تحت السرة للرجال و علی الصدر للنساء و اخرج الکفین

در زیرات برای مردان در سینه برای زنان و بردادن دو کف

من الکعبین عند التحریم للرجال و القراءة علی قدر المروی

بر از انگشتان نزد یکدیگر تحریم مهر دایره و لذات کردن بر اندازه گرمی شده است

للایام و زیادة تسبیحات علی اثلاث و تر المنفرد

بر ایام را و زیاده کردن تسبیحات بر سه در حالیکه باشد طاق منفرود

و ابعاد الضبعین من البطن و البطن من النخذ و النخذ من النساء

دو درواشتن در بازو از سگ و سگم از ران دوران از ساق

فعلی توضیح است و کلف
الحاصل بر این آمدن از نماز مطلق است و
سنت است و سلام دادن بدو جانب
سنت است و گردانیدن روی بدو جانب
راست و چپ است
راست و چپ است

من الساق والساق من الارض الركوع والسجود لرجل

از ساق و پاچه از زمین در رکوع و در سجود مردان را

وبالعكس للنساء وقراءة الفاتحة بعد الاولين للمفترض

و بالعکس آن مردان را و خواندن فاتحه بعد از دو رکعت مرغض گذار را

في المشهور والتسمية قبل الفاتحة في كل ركعة لمن ينظر

در روایت مشهور و تسمیه پیش از فاتحه در هر رکعت هر کس را که سنون است و انتظار

امسبوق فراغ الامام الباب الخامس في المحتسب وهي اربعة

شدن مسبوق تا فراغ شدن امام باب پنجم در بیان محتسب نماز است و آن محرم چهار است

عشر على العموم الجهر بالتسمية وبالتأمين والاتفات يمينا

ده بار بر سجده بلند گفتن تسمیه و بلند گفتن آمین و تکرار سینه راست را

وشمالا بتحويل بعض الوجه والنظر الى السماء والالتكأ

و چپ را بگردانیدن بعض روی را و نظر کردن بسوی آسمان و تکیه کردن

على اسطوانة او اليد ونحوه بلا عذر في الفرايض ورفع

بر سینه یا بر دست و مانند آن بی عذر در نماز و ضحایا و بر دستین

اليدين في غير ما شرع ورفع الاصابع في الركوع والسجود

در دست در جای که شرع نشده است و برداشتن اصابع در رکوع و در سجود

عن الارض والجلوس على عقبية للتشهد و

از زمین و نشستن بر دو پاشنه برای تشهد

العبث بثوبه او بدنه دون الثلاث والاشارة

و بازی کردن بچانه خود یا بدن خود غیر از سه و اشارت کردن

بالسبابة كقول الحديث وقصر السلام على جانب القنوت

ب سبابه مانند آن حدیث و کوتاه کردن سلام بر یک جانب و قنوت خواندن

فی غیر الوتر و الزیادة فی التکبیر و الشاء و التبیح

در غیر وتر و زیاده کردن در تکبیر و در ثنا و در تسبیحات

و التشهید علی السنة و ترک الواجب مما سبق

در تشهد و در کتاب محیط ذکر کرده شده است محرمات در فصل مکروهات

عمدا و فی محیط ذکر المحرما فی المکروهات الباب

فصل اول در کتاب محیط ذکر کرده شده است محرمات در فصل مکروهات

السادس فی المکروهات و هی تسعة و خمسون العام

سوم در میان مکروهات نماز است و آن مکروهات پنجگونه است مکروهات عام

اشنان و اربعون تکرار التکبیرة و العذ بالید للای

چهل دو دانند یکا آن مکرر تکبیر و سیزده بدست مرایت بار

و نحوها و التخصر و ما هو من خلاق الجبارة و التخنخ بلا عذر

و مانند آن دست بر تنگاه ماندن و هر فعلیکه از فعلهای منکران است و سرپیچیدن بد عذر

و لو بغیر حروف و التخنخ غیر المسموع و مساک الدرهم

و اگر چه باشد بد حروف و بیخ اشتراک با کوشیده نشود و کند استغن در اهرم

فی الفم و نحوها بحيث لا یمنع القراءة و اعلا الرکب

در زمین و مانند آن بر وجهیکه منع کند قراوت را و بلند کردن سر را

من الظفر فی الرکوع و ابتلاع ما بین الاسنان

از دست در رکوع و زود بردن چیزیکه در میان دندان است

لو کان قلیلاً من المحضه و ترک سنة من السنن

اگر چه باشد کمتر از نخود و ترک سنت است از سنتها

و اتمام القراءة فی الرکوع و تحصیل الاذکار فی الانتقالات

و تمام کردن قراوت را در رکوع و حاصل کردن ذکرها در انتقالات

و التبیح

ووضع يديه قبل ركبته على الارض للسجود بلا عذر ورفعهما

و نهادن دو دست پیش از دو زانو بر زمین برای سجده به عذر در وقت دو دست

بعد ركبته للقيام كذلك والاقعاء وتغطية الفم بلا غلابة

بعد از دو زانو برای قیام همچین است و تشمتن مانند ک و بر شستن دهان با غلغله حیانه

التشاؤب و غمض العينين و قلب لخصي الا ان لا يمكنه السجود

و زود خوا باندن دو چشم و گردانیدن سنگریزه کمر اینکه ممکن نباشد و سجود

فان يبه مرة او مرتين و مسح جبهة عن التراب العرق قبل

پس میآید تسویه یکبار یا دوبار و پاک کردن پیشانی از خاک یا از خوی پیش از

الفراغ و كف الثوب و التشاؤب و ليمطر و فرقة الاصابع

فارغ شدن از نماز و نگاه داشتن جامه از خاک و قرآن و نماز کون و بازیدن و آواز بر آوردن

و الاستراحة من جل الى رجل و تفرج الاصابع و غير الركب

اصابع را دور احت طبلیدن از پای بیای دیگر دست ده کردن انگشتان را در غیر رکوع

و التجميل في القراءة و ترك تسوية الرأس مع انظر العا و التخطي على

و شتاب کردن در قرائت و برابر نکردن سر را با پشت در حالیکه رکوع گفته و دم زدن

فصاعدا بلا عذر لو وقف بعد كل خطوة و التمايل يمينا و شمالا

به بار پس زیاده به عذر اگر ایستد بعد هر قدم و مایل شدن راست و چپ

و قتل القملة دون الثلاث و دفنها كذلك و القاء البزاق

و کشتن سببش کمتر از سه و دفن سببش همچین است و انگشتن آن بر زمین

و نزع القميص و لقلنسوة و الخف بعمل قليل و شتم الطيب

دکشتیدن کتبه و کلاه و موزه باندک عمل و پوشیدن خوشبوی

و التروح بالثوب و نحوه دون الثلث و تعيين السورة

و باد کردن به جامه و مانند جامه کمتر از سه و تعیین کردن سوره سه

و اما تجمل في التروح فغير مكره عند الامام
بهرمانه الدين مكره و عند القاضي بدع الدين
كما في المفيد

لصلوة معينة بحيث لا يقرأ غير ما والجمع بين السورتين

برای نماز مخصوص بوجهیک بخواند سوائی آن سوره را و جمع کردن میان دو سوره

بترك واحدة بينهما في ركعة واحدة والانتقال من آية

بترك واحد در میان آن دو سوره در رکعت واحد و انتقال کردن از آیت

الى آية اخرى لو كان بينهما سورة وتقديم السورة المتأخرة

بسوی آیت دیگر اگر چه باشد میان آن دو آیت سوره و تقديم کردن سوره متأخره

على المتقدمة ولو في الركعتين والتسمية في كل سورة في

بر سوره متقدمه و اگر چه باشد در دو رکعت و بسم الله گفتن در اول هر سوره در

كل ركعة وحمل الصبي بلا عذر والخاص بسبعة عشر نظار

بر رکعت و برداشتن کودک را بدون عذر و مکروه خاص بعهده امت انتظار

الامام لمن سيع خفق نعليه للصلوة وتطول الركعة ثانيا

شدن امام بر کسی که را می شنود آه از نعلین او را می آید برای نماز و دراز کردن رکعت ثانی را

على الاولى في الفريضة والتوقف في آية الرحمة او بعد

بر رکعت اول در نماز فرضها و ایستادن در آیت رحمت یا در آیت عذاب

للإمام والمقتدى مطلقا وللنفرد في الفريضة والسجدة

بر امام و مقتدی را خواه در فرض خواه و نقل و در منفردا در نماز فرض و سجده کردن

على كور العمامة والصاق البطن بالفخذ للرجال وكذلك

بر بیچ دستار و چسباندن شکم بران مردان را و چسبیدن دست

بسطم العضدين ونزعهم لنعلين او لقميص او القنصوة

کشاده کردن مردان دو بازو را و کشیدن مردان نعلین را یا کمره را یا کلاه را

او لبسهم بعم قليل وتطول الامام الصلوة بحيث يتصل على

یا پوشیدن با آنکه عمل و دراز کردن امام نماز را بوجهیک کران کند بر

على القوم وتخفيفها لعجلتهم والى الامام لقوم للفتح اذا

پرسید که آن کند بر قوم و سبک کند امام نماز برای مشتاق قوم و بناه آوردن امام قوم را برای کشدن وقت نماز

قرء ما يجوز به الصلوة وجهر القراءة في نوافل النهار وقراءة

این مقدار برای که جایز باشد با نماز و جهر کردن قرائت در نفلهای روز ^{دخواندن}

الامام آية السجدة فيما تجافت الاني آخر السورة وتكرار الالة

امام آیت سجده را در نماز یک بخلف خوانده شود مگر در آخر سوره ^{دو بار در خواندن است}

سروا او حزن في الفريضة بلا عذر لاني النوافل والسنن

از روی شادی یا از روی غمگینی در نمازهای فرض ^{بگذرد} نه در نفلها دست با

مطلقا وتكرار السورة في ركعة من الفريضة و الصلوة رافعا

مطلقا و تکرار کردن سوره در یک رکعت از نمازهای فرض و نماز کردن در حالیکه برآید

أمية الى المرفقين للرجال وقول المتقدمي عند آية الترتيب

دو سینه را نامداد و بازو مردمان را ^{و گفتن مقتدی} نزد آیت ترتیب

والترهيب صدق الله وبلغت رسله والاعتماد على

و آیت ترهیب راست گفتند تعالی در رسانیدن پیمبران او ^{و تکیه کردن بر پیوستار}

او اسطوانة بلا عذر في غير النوافل الباب السابع في

بایستون ^{بگذرد} در غیر نفلها ^{باب هفتم} در بیان

المباح وهي احد عشر العام ثمانية نظره بموق عينيه بلا

مرامات است و مباح یازده است ^{مباح عام هفت است مگر سخن مصحح کوفته دو چشم}

تحويل الوجه وتسوية موضع السجدة او مرتين وقبل الحجة

گردانیدن روی خود و برابر کردن موضع سجده را یکبار ^{یا دو بار و گفتن مصحح با نمازخانه}

مطلقا وان احتاج الى المعالجة وفيه درهم او ذنانير لا تمنعه عن

خواه سیاه مطلقا و اگر چه محتاج شود به معالجه ^{در دو زمین در همانا دینارها که منع کننده از سنن}

القرائة وفيه ما لا يمنع عن سنة الاعتماد وقراءة القرآن

قراعت ودرست او چيست که منع نميکند از سنت اعتماد وخواندن قرآن

على التأليف وفضل الثوب كيلا يلتصق بحبسه في الركوع وقراءة

برترگيب وافشاندن تا که بچسبد چنان او در رکوع وخواندن

آخر السورة في ركعة و آخر اخرى في اخرى على الصحيح و الخاصمة

آخر سوره در يك ركعت و آخر سوره ديگر در ركعت ديگر بر قول صحيح و صاحب خاص است

تكرار السورة في ركعة في التطوع و معتمدا حايطا و اسطوآ

تكرار سوره در يك ركعت در نفل در يك باشد تا يك گشته ديوار يا ستون را

في التطوع ولو بلا عذر و لحظ الامام من خلفه شاكا ليقوم

در نفل و اگر چه باشد بغير عذر و اگر استن امام بسوگيرد پس او است در حاليكه شاك گشته باشد

ان قام هو و نحوه الباب الثامن في المفسد او بي في

نيز در باب اگر خيز و اگر كس مانند او باب هشتم در بيان تباه گشته نماز است و آن در

التحقيق خمسة على العموم اتكلم بكلام الناس مطلقا حقيقة

حقيقت پنج است بنا بر عموم سخن گفتن بسخن آدميان مطلقا از رد و حقيقت

او حكما و الضحك والعمل الكثير بلا اصلاح و ترك فرض من

يا از روی حكم و خنده كردن و عمل كثير بغير اصلاح آوردن و ترك فرض كردن از

الفرايض بلا عذر و لو طء فواته بدون اختياره و عمد

فرضها بغير عذر و اگر چه عارض بخود فوت او بغير اختيار مصل و بقصد كردن

(الحدث)

معنا حدث را

كتبة الفقيه خواندگار بن اصفهاني حرم شاه محمد شاه ۱۳۰۲ هـ

معنی اعوذ بیاه میطلبم من بسوا احد بعد از شتر شیطان بنید رحیم است اگر شخصی گوید که هیچ
بر خند معنی آمده است جواب میگوید بر چه معنی آمده است معنای مرحوم معنا ملعون معنا
مردود است رحیم معنای مرحوم باشد معنیش همچون میشود که شیطان مرحوم است یعنی
بسیار کرده شده از درگاه الهی است اگر رحیم معنای ملعون باشد معنیش همچون میشود
شیطان ملعون است یعنی لعنت کرده شده از درگاه الهی است اگر رحیم معنای مردود باشد
معنیش همچون میشود که شیطان مردود است یعنی رانده کرده شده از درگاه الهی است
اگر شخصی گوید که شما از کجا میدانید که شیطان مرحوم باشد جواب میگوید ازین قول
احد تقدیم کنیم که و لقد زینا السماء الدنيا لمصالح وجعلنا ما رجوا للشياطين
یعنی هر آینه تحقیق زینت دادیم ما آسمان دنیا را بسیاره گانه کرد و ایندیج ما
را همچون بسیاره گانه را الت رحیم از برای شیاطین اگر شخصی گوید که شما از کجا
میدانید که شیطان ملعون باشد جواب میگوید که ازین قول احد تقدیم کنیم که
والله عليم لعنت الله يوم الدين یعنی بدرستی که بر تو باد ای شیطان لعنت من
تا بروز قیامت اگر شخصی گوید که شما از کجا میدانید که شیطان مردود باشد
جواب میگوید که ازین قول احد تقدیم فافرح منها فانك رحيم پس خاشع شو تو ای شیطان
از بجز بخت بدرستی که تو رحیمی یعنی مردود است اگر شخصی گوید که قاریان قبل از
قراوت بسم احد اعوذ با احد لا هرا قراوت کردند جواب ازین قول احد تقدیم
فاذ قراوت القرآن فاستغذ با احد من الشيطان الرحيم پس هر جایی که اراد
کنی تو ای محم قراوت قرآن را بسببنا طلب تو بسوا احد تقدیم از شتر شیطان که
رحیم است بسم احد از جمله قرآن بود بنا برین قاریان قبل از قراوت بسم احد اعوذ
با احد را قراوت کردند اگر شخصی گوید که بسم احد چند معنی دارد جواب میگوید
بسم احد دو معنی دارد یکی معنی افراد و یکی معنی ترکیبی معنی افراد بسم احد
چهار است که کلمه بسم احد را تنها تنها معنی گفته شود باین طریق معنی ب

معنی اسم یعنی احد معبود برحق معنی در ضمن بخشنده نعمتهاست در وینا بر مؤمن
و بر کافر معنی در هم بخشنده گناهان است در آفرین مؤمن نه بر کافر معنی شکرگویی است
کلمها بسم احد جمع پیاخته یکی معنی کفنه شود باین طریق که بنام معبود برحق
که بخشنده و بخشنده است بر همه خلق ابتدا میگویم من این کتاب بنام او نه غیر نام

او قال النبي عليه السلام كل امرئ بال لم يبدأ فيه بيسم صدقوا لا تبر

در شأن الحمد صد حدیث و فرشته قال النبي عليه السلام كل امرئ بال لم يبدأ فيه بيسم

منوالا قطع قال النبي عليه السلام كل دعاء بلفظ لا تجبه فهو مقرون بالا اجابة

تبریب
قال النبي عليه السلام من اغبرت قدما في طلب العلم و اتم احد نعمه جسد من النار

بدانکه ترک باید یکی از همین دو ازده فرض نماز فایده است بر ابرست اگر ترک باید بود
یا عمداً مسئله فرضیت ظاهر بودن خود مصححاً و جامه مصححاً از کجا ثابت شد جواب
ازین آیت که و شیاً بکه فطره و قال الله نعم وان کنتم جنباً فاطهروه و ازین حدیث که
لا یصل الله صلواته امرایغر معنی مسئله ظاهر بودن جامه مصححاً بر آمدن خود او ۲
و مکان مصححاً جواب ظاهر بودن جامه مصححاً با وجود یک جامه از مصححاً جداست
فرض باشد ظاهر بودن خود مصححاً بطریق اولی باشد مسئله فرضیت بستر عورت از کجا
ثابت شد جواب ازین آیت که یا آدم خذوا زینکم عند کل مسجد مراد از زینت
بستر عورت است و ازین حدیث که صل من ثوب و ثوبین ظاهرین مسئله
فرض بودن استقبال قبله از کجا ثابت شد جواب ازین آیت که فوی و جهه
شطر المسجد الحرام و قوله نعم و حیث ما کنتم فو تو و وجوهک شطره ج و ازین حدیث که
استقبل القبلة مسئله فرض وقت از کجا ثابت شد جواب ازین آیت که و قم الصلوة
له لوک الشکر الی غیبق اللیل مسئله فرض نیت از کجا ثابت شد جواب ازین که
آیت که و ما امرؤ الا لیعبده و الله مخلصین له الدین اخلاص حاصین نمینود مگر
بنیت و ازین حدیث که انما الاعمال بالنیات مسئله فرض بودن تکبیر اول
از کجا ثابت شد جواب ازین آیت که و ربک فکر و ازین حدیث تحریرها التکبیر
و تحلیلها التلبیم مسئله فرض بودن قیام از کجا ثابت شد جواب ازین آیت
توموا الله قانتین و ازین حدیث که یصل المریض قادیماً و این لم یستطع
عداً مسئله فرض بودن قراءت از کجا ثابت شد جواب ازین آیت که
فاقرؤا ما تیسر من القرآن ازین حدیث که لا صلوة الا بالقراءت مسئله
رکود بحدود بکدام آیت ثابت شد جواب ازین که یا ایها الذین آمنوا کولوا

و ابرجد و اعبد و ارکبم و افسلوا الخیر لعلمک تفلحون مبنی که فرض بودن قعد ه اخیر
از کجا ثابت شده است جواب ازین آیت که مذکور است ائمه قیاما و قعودا و علی
جنوبهم ازین حدیث که بعد ما قعدت اگر پرسند که جمله وقت صلوة بکدام
آیت ثابت شده است جواب ازین آیت که فبسیما ائمة حین تمسبون

و حین تصبحون و له الحمد فی السموات و الارض و عرشیا و حین تطهرون
و ازین فعل نبی که امامت کرده اند بجزئیل علیه السلام در همین پنجوقت